

امام صادق سلام الله عليه در بینش اهل سنت و وهابیت

اشعه ششمین خورشید عالمگیر آسمان امامت و ولایت در هفدهم ربیع الاول سال هشتاد و سه در منزل با برکت شکافنده علم، حضرت باقر العلوم سلام الله عليه بر این عالم دنیا تایید. پدر بزرگوار آن آفتاب عالم تاب؛ پنجمین خورشید بر تارک آسمان ولایت الهی، حضرت امام محمد باقر سلام الله عليه و مادر بزرگوار ایشان، فاطمه، مشهور به ام فروة زنی مؤمن و با تقوا بود.

مجلس علمی آن عبد صالح خدا در مدینه منوره زیانزد عام و خاص بوده و شاگردانی بزرگ در مکتب ایشان حضور داشته و از علم ایشان شاخه های معرفت بر می چیدند؛

در بین هزاران شاگرد امام صادق سلام الله عليه، بزرگان و علمای اهل سنت نیز به چشم می خورد.

ابن تیمیه در این باره چنین می نویسد:

فإن جعفر بن محمد لم یجىء بعد مثله وقد أخذ العلم عنه هؤلاء الأئمة کمالک وابن عیینة وشعبة والثوری وابن جریج ویحیی بن سعید وأمثالهم من العلماء المشاهیر الأعیان.

بعد از جعفر بن محمد (امام صادق سلام الله عليه) کسی به مانندش نیامده است و شخصیت ها و عالمان بزرگ اهل سنت همچون مالک و سفیان بن عیینة و [سفیان] ثوری و ابن جریج و یحیی بن سعید و مانند آنان از علمای مشهور و معروف، از وی علم آموخته اند.

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، منهاج السنه النبویه، ج ۴ ص ۱۲۶ ، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ناشر: مؤسسة قرطبة، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ هـ.

ألوسی نیز از قول ابوحنیفه چنین می نویسد:

وهذا أبو حنیفة - رضی الله تعالی عنه - وهو بین أهل السنه کان یفتخر ویقول بأفصح لسان: لولا الستان لهلك النعمان، یرید الستین اللتین صحب فیهما لأخذ العلم الإمام جعفر الصادق - رضی الله تعالی عنه -.

این ابو حنیفه است که در بین اهل سنت بوده و دائماً افتخار می کرد و با زبانی فصیح می گفت: اگر آن دوسال نبود، هلاک می شدم. مقصود [ابو حنیفه] دو سالی است که در طول آن از امام جعفر صادق [علیه السلام] کسب علم نموده است.

الألوسی، محمود شکری، مختصر التحفة الاثنی عشریة، ص ۸، ألف أصله باللغة الفارسیة شاه عبد العزیز غلام حکیم الدهلوی، نقله من الفارسیة إلی العربیة: (سنه ۱۲۲۷ هـ) الشیخ الحافظ غلام محمد بن محیی الدین بن عمر الأسلمی، حققه وعلق حواشیه: محب الدین الخطیب، دارالنشر: المطبعة السلفیة، القاهرة، الطبعة: ۱۳۷۳ هـ.

و رک: القنوجی البخاری، أبو الطیب السید محمد صدیق خان بن السید حسن خان (متوفای ۱۳۰۷هـ)، الحطة فی ذکر الصحاح الستة، ج ۱ ص ۲۶۴، ناشر: دار الکتب التعلیمیة - بیروت، الطبعة: الأولى ۱۴۰۵هـ / ۱۹۸۵م.

در این نوشته بر آنیم که با مراجعه به کتب اهل سنت، برگگی زرین از حیات علمی و عظمت روحانی آن حضرت را بیان کنیم.

در پایان نوشته نیز به برخی از جسارت ها و دهن کجی های نواصب و دشمنان مکتب اهل بیت علیهم السلام نیز اشاره خواهد شد تا برهمگان روشن شود که وهابیت که به واسطه استعمار به وجود آمده است، چگونه فضایل اهل بیت علیهم السلام را بر نمی تابند.

شخصیت وجود مقدس امام صادق سلام الله علیه از منظر علمای اهل سنت:

ابوحنیفه (متوفای ۱۵۰ هـ ق):

مزی در کتاب تهذیب الکمال از قول ابوحنیفه چنین می نویسد:

عن حسن بن زیاد یقول: سمعت أبا حنیفة وسئل: من أفقه من رأیت؟ فقال: ما رأیت أحدا أفقه من جعفر بن محمد.

حسن بن زیاد می گوید: از ابوحنیفه شنیدم در حالی که از او سوال شد: فقیه ترین فردی که دیده ای چه کسی است؟ پاسخ داد: کسی را فقیه تر از جعفر بن محمد (امام صادق علیه السلام) ندیدم.

المزی، ابوالحجاج یوسف بن الزکی عبدالرحمن (متوفای ۷۴۲هـ)، تهذیب الکمال، ج ۵ ص ۷۹، تحقیق: د. بشار عواد معروف، ناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۰هـ - ۱۹۸۰م.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى ٧٤٨ هـ)، سير أعلام النبلاء، ج ٦ ص ٢٥٧، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، ١٤١٣هـ.

خوارزمي نیز از قول ابو حنیفه چنین می نویسد:

قال أبو حنیفه : ما رأیت أفقه من جعفر بن محمد ، لما أقدمه المنصور بعث إليّ فقال : يا أبا حنیفه ! إن الناس قد افتتنوا بجعفر بن محمد ، فهیئ له من المسائل الشداد .

فهیأت له أربعین مسألة ، ثم بعث إليّ أبو جعفر - أي المنصور - وهو بالحريرة فأتيته فدخلت علیه وجعفر بن محمد جالس عن یمنه ، فلما أبصرت به دخلتني من الهیبة لجعفر بن محمد الصادق ما لم یدخلني لأبی جعفر فسلمت علیه . وأوماً إليّ ، فجلست ثم التفتُ إليه فقال : يا أبا عبد الله ! هذا أبو حنیفه . قال جعفر : نعم ... ثم التفت المنصور إليّ فقال : يا أبا حنیفه ألق عليّ أبا عبد الله من مسائلک ! فجعلتُ ألقى علیه فیجیني ، فيقول : أنتم تقولون کذا وأهل المدينة يقولون کذا ونحن نقول کذا ، فربما تابَعهم ، وربما خالفنا جميعاً ، حتی أتيت عليّ الأربعین مسألة .

ثم قال أبو حنیفه : ألسنا روينا أن أعلم الناس أعلمهم باختلاف الناس.

ابو حنیفه می گفت: دانشمندتر از جعفر بن محمد ندیده ام . وقتی منصور عباسی آن حضرت را احضار کرده بود، مرا فراخواند و گفت : ای ابا حنیفه ! مردم به وسیله جعفر بن محمد فریب خورده اند، سؤال های سختی را آماده کن [تا از وی بپرسی و ناتوانی او را در برابر مردم ثابت نمایی]. ابوحنیفه می گوید: من چهل مسئله آماده کردم . منصور دوانیقی که در «حیره» بود، به دنبال من فرستاد. وقتی بر منصور وارد شدم ، جعفر بن محمد (امام صادق سلام الله علیه) در طرف راست او نشسته بود، وقتی بر آن حضرت نگریستم ، از هیبت او بر خود لرزیدم ، در حالی که از منصور چنین هراسی نداشتم - به ایشان سلام کردم. منصور به من اشاره کرد و نشستم سپس به امام علیه السلام رو کرد و گفت: ای ابا عبدالله، این ابو حنیفه است. پاسخ داد. آری [او را شناختم]. سپس منصور رو به من کرد و گفت: ای ابو حنیفه سوالات را از ابا

عبدالله [امام صادق علیه السلام] پرس. سوالاتم را مطرح و جوابم را داد و چنین می فرمود: شما چنین می گوئید و مردم مدینه چنان و ما چنین می گوئیم؛ در برخی مسائل نظر ایشان موافق نظر اهل مدینه [تابعان مالک بن انس] بود و در بعضی کاملاً با همه ما [اهل مدینه و اهل عراق- پیروان ابوحنیفه-] مخالف بود. تا اینکه تمام چهل مسئله را پاسخ فرمود. ابوحنیفه [که خود را ناتوان یافت] گفت: مگر نه این است که می گوئیم عالم ترین علما کسی است که آگاه ترین آنان به مسائل اختلافی مذاهب و مکاتب باشد؟

الموفق ابن احمد بن محمد المکی الخوارزمی (متوفای ۵۶۸هـ)، مناقب الامام آی حنیفه النعمان، الطبعة الأولى، مجلس دائرة المعارف النظامية - هند، ۱۳۲۱ هـ

مالک بن انس (متوفای ۱۷۹ هـ ق):

ابن حجر عسقلانی نیز از قول مالک بن انس چنین می نویسد:

وقال مالک اختلفت إليه زمانا فما كنت أراه إلا علي ثلاث خصال إما مصلى وإما صائم وإما يقرأ القرآن.

مالک گفت: مدت زمانی نزدش (امام صادق علیه السلام) رفت و آمد داشتم. هر بار که جعفر بن محمد را دیدم، او را در یکی از سه حال می دیدم: یا در حال نماز بود، یا روزه دار و یا قرآن تلاوت می کرد.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای ۸۵۲هـ)، تهذيب التهذيب، ج ۲ ص ۸۸، ناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م.

منصور دوانیقی (متوفای ۱۵۸ هـ ق):

يعقوبی از قول منصور دوانیقی یکی از خلفای ظالم و قسی القلب عباسیان چنین می نویسد:

إن جعفرًا كان ممن قال الله فيه: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» (الفاطر / ۳۲). وكان ممن اصطفى الله وكان من السابقين بالخيرات.

جعفر [امام صادق علیه السلام] از کسانی بود که خداوند در باره اش فرمود: «سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم». ایشان از کسانی است که خداوند آنان را برگزیده و به انجام کارهای خیر سبقت می گیرد.

اليعقوبی، أحمد بن أبي يعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح (متوفای ۲۹۲هـ)، تاریخ الیعقوبی، ص ۳۸۳، ناشر: دار صادر - بیروت.

ابو حاتم (متوفای ۳۲۷هـ ق):

ابن أبي حاتم از قول پدرش پیرامون وجود مقدس صادق آل محمد علیهم السلام چنین می نویسد:

سمعت أبي يقول جعفر بن محمد ثقة لا يسأل عن مثله.

از پدرم شنیدم که می گفت: جعفر بن محمد فردی مورد اعتماد است و [به قدری جلیل القدر است که] درباره مانند او سوال نمی شود.

ابن أبي حاتم الرازی التیمی، ابومحمد عبد الرحمن بن أبي حاتم محمد بن إدريس (متوفای ۳۲۷هـ)، الجرح والتعديل، ج ۲ ص ۴۸۷، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۲۷۱هـ - ۱۹۵۲م. المزی، ابوالحجاج يوسف بن الزکی عبدالرحمن (متوفای ۷۴۲هـ)، تهذيب الكمال، ج ۵ ص ۷۸، تحقیق: د. بشار عواد معروف، ناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۰هـ - ۱۹۸۰م.

ابن حبان (متوفای ۳۵۴هـ ق):

ابن حبان بستی نیز چنین می نویسد:

جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب الذي يقال له الصادق كنيته أبو عبد الله من سادات أهل البيت وعباد أتباع التابعين وعلماء أهل المدينة.

جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب کسی که به او صادق گفته می شد و کنیه او ابو عبدالله از بزرگان اهل بیت [علیهم السلام] و در میان پیروان تابعین و علمای مدینه، از عابدان بود.

التیمی البستی، محمد بن حبان بن أحمد ابوحاتم (متوفای ۳۵۴هـ)، مشاهیر علماء الأمصار، ج ۱ ص ۱۲۷، تحقیق: م. فلايشهمر، دار النشر: دار الكتب العلمية - بیروت - ۱۹۵۹.

ابو نعیم اصفهانی (متوفای ۴۳۰هـ ق):

ابونعیم نیز پیرامون آن حضرت چنین می نویسد:

جعفر بن محمد الصادق ومنهم الامام الناطق ذو الزمام السابق أبو عبدالله جعفر بن محمد الصادق أقبل على العبادة والخضوع وأثر العزلة والخشوع ونهى عن الرئاسة والجموع.

جعفر بن محمد صادق [از جمله ائمه عليهم السلام] امام ناطق، صاحب امامت و رهبری، اباعبدالله جعفر بن محمد صادق. او به سمت عبادت و خضوع آمده و گوشه نشینی و خشوع را در پیش گرفته و از ریاست و اجتماع [با صاحبان قدرت] نهی می کرد (کتابه از دوری گزینی).

الأصبهانی، ابونعیم أحمد بن عبد الله (متوفای ۴۳۰هـ)، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، ج ۳ ص ۱۹۲، ناشر: دار الكتاب العربی - بیروت، الطبعة: الرابعة، ۱۴۰۵هـ.

شهرستانی (متوفای ۵۴۸ هـ ق):

شهرستانی از استوانه های علمی اهل سنت نیز چنین می نویسد:

أبي عبد الله جعفر بن محمد الصادق وهو ذو علم غزير في الدين وأدب كامل في الحكمة وزهد بالغ في الدنيا وورع تام عن الشهوات وقد أقام بالمدينة مدة يفيد الشيعة المتمين إليه ويفيض على الموالين له أسرار العلوم .

ابی عبد الله جعفر بن محمد صادق، او پیرامون دین، علمی بسیار داشت و در حکمت دارای ادبی کامل بود و نسبت به دنیا زهدی فراوان و از لذات بسیار دوری می گزید. در مدت اقامتش شیعیانی که به او منسوب بودند، استفاده بردند و برای دوستدارانش اسرار علمی را سرازیر کرد .

الشهرستانی، محمد بن عبد الکریم بن أبی بکر أحمد (متوفای ۵۴۸هـ)، الملل والنحل، ص ۱۶۱، تحقیق: محمد سید کیلانی، ناشر: دار المعرفة - بیروت - ۱۴۰۴هـ.

ابن جوزی (متوفای ۵۹۷ هـ ق):

ابن جوزی نیز پیرامون عبادت حضرت می نویسد:

جعفر بن محمد بن علی بن الحسین عليهم السلام كان مشغولا بالعبادة عن حب الرياسة.

جعفر بن محمد بن علی بن الحسین عليهم السلام، به خاطر دوری از حب ریاست، مشغول عبادت بود.

ابن الجوزی الحنبلی، جمال الدین ابوالفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد (متوفای ۵۹۷ هـ)، صفة الصفوة، ج ۲ ص ۱۶۸، تحقیق: محمود فاخوری - د.محمد رواس قلعه جی، ناشر: دار المعرفة - بیروت، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۹هـ - ۱۹۷۹م.

محمد بن طلحه (متوفای ۶۵۲هـ ق):

محمد بن طلحه شافعی نیز پیرامون مقام والای حضرت و استفاده علمی بزرگان اهل سنت از درس ایشان، چنین می نویسد:

الإمام جعفر الصادق (عليه السلام) ... هو من عظماء أهل البيت وساداتهم (عليهم السلام) ذو علوم جمّة ، وعبادة موفرة ، وأوراد متواصلة ، وزهادة بينة ، وتلاوة كثيرة ، يتتبع معاني القرآن الكريم ، ويستخرج من بحره جواهره ، ويستنتج عجائبه ، ويقسم أوقاته علي أنواع الطاعات ، بحيث يحاسب عليها نفسه ، رؤيته تذكّر الآخرة ، واستماع كلامه يزهد في الدنيا ، والافتداء بهديه يورث الجنة ، نور قسامته شاهد أنه من سلالة النبوة ، وطهارة أفعاله تصدع أنه من ذرية الرسالة . نقل عنه الحديث ، واستفاد منه العلم جماعة من الأئمة وأعلامهم مثل : يحيى بن سعيد الأنصاري ، وابن جريج ، ومالك بن أنس ، والثوري ، وابن عيينة ، وشعبة ، وأيوب السجستاني ، وغيرهم (رض) وعدوا أخذهم عنه منقبة شرفوا بها وفضيلة اكتسبوها.

امام جعفر الصادق از بزرگان اهل بیت (علیهم السلام) است، دارای دانش فراوان، همواره مشغول عبادت، همواره به یاد خدا بود، زهدی آشکار داشت و اهل تلاوت قرآن بود. در معانی قرآن کریم اهل تحقیق بود و جواهرات قرآن را استخراج می کرد و عجائبی را از قرآن نتیجه می گرفت و اوقات خود را برای انجام انواع طاعات الهی تقسیم کرده بود به طوری که در آن اوقات به محاسبه نفس خود مشغول بود. دیدارش انسان را به یاد آخرت می انداخت و شنیدن کلامش موجب زهد در دنیا می شد و اقتدا به روش او، راهنمای بهشت بود. نور چهره زیبایش، گواه بر این بود که او از فرزندان انبیا است و پاکی اعمالش روشن گر این بود که وی از نسل رسالت می باشد. از علم او جماعتی از ائمه و بزرگانی مانند: یحیی بن سعید انصاری ، و ابن جریج ، و مالک بن انس ، و [سفیان] ثوری ، و [سفیان] ابن عیینة ، و شعبة ، و ایوب

السجستاني و غير از اين ها استفاده برده و شاگردی ایشان را برای خود منقبت و فضیلتی برشمرده اند که موجب شرافت آنان بوده است.

الشافعی، محمد بن طلحة (متوفای ۶۵۲هـ)، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول (ع)، ص ۴۳۶، تحقیق: ماجد ابن أحمد العطیة. طبق برنامه کتابخانه اهل بیت علیهم السلام.

ابن أبي الحديد (متوفای ۶۵۵ هـ-ق):

ابن أبي الحديد معتزلی، از علمای اهل سنت نیز پیرامون سلسله علوم علمای اهل سنت از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدر گرامیشان و از امیرمؤمنان سلام الله علیه چنین می نویسد:

ومن العلوم علم الفقه وهو عليه السلام أصله وأساسه ، وكل فقيه في الإسلام فهو عيال عليه ، ومستفيد من فقهه.

و از جمله علوم، علم فقه است که او [امام صادق علیه السلام] اصل و اساس آن می باشد و هر فقیهی در اسلام، بر سر سفره او نشسته و از فقه او استفاده می کند.

إبن أبي الحديد المدائنی المعتزلی، ابوحامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد (متوفای ۶۵۵ هـ)، شرح نهج البلاغة، ج ۱ ص ۱۸، تحقیق: محمد عبد الكريم النمری، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۸م.

نووی (متوفای ۶۷۶ هـ-ق):

محي الدين نووی، از علمای شافعی مذهب اهل سنت پیرامون آن حضرت می نویسد:

روي عنه محمد بن إسحاق ويحيي الأنصاري ومالك والسفيانان وابن جريج وشعبة ويحيي القطان وآخرون واتفقوا علي إمامته وجلالته وسيادته قال عمرو بن أبي المقدم كنت إذا نظرت إلي جعفر بن محمد علمت أنه من سلاله النبيين.

محمد بن اسحاق و يحيي الأنصاري ومالك دو سفيان و ابن جريج و شعبه و يحيي القطان و ديگران از ایشان روایت نقل کرده و بر جلالته و امامت و آقایی او اتفاق نظر دارند. عمرو بن ابی المقدم گفت: هنگامی که به جعفر بن محمد نگریستم، دریافتم که او از نسل پیامبران است.

النووی الشافعی، محیی الدین أبو زکریا یحیی بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفای ۶۷۶ هـ)، تهذیب الأسماء واللغات، ج ۱ ص ۱۵۵، تحقیق: مکتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفکر - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۹۹۶م.

ابن خلکان (متوفای ۶۸۱ هـ-ق):

ابن خلکان، آن حضرت را این گونه توصیف می کند:

جعفر الصادق أبو عبد الله جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم أجمعین أحد الأئمة الاثنی عشر علی مذهب الإمامیة وكان من سادات أهل البيت ولقب بالصادق لصدقه فی مقاله وفضله أشهر من أن يذكر وله كلام فی صنعة الكيمياء والزجر والفأل وكان تلميذه أبو موسى جابر بن حیان الصوفی الطرسوسی قد ألف كتابا يشتمل علی ألف ورقة تتضمن رسائل جعفر الصادق وهي خمسمائة رسالة.

ابا عبد الله جعفر صادق فرزند محمد باقر فرزند علی زین العابدین فرزند حسین بن علی بن ابی طالب، یکی از امامان دوازده گانه طبق عقیده شیعه می باشد. ایشان از آقایان و بزرگان اهل بیت (علیهم السلام) بشمار می رود و به دلیل راستگویی در گفتارش ملقب به صادق شده است، فضیلتش مشهور تر از آن است که ذکر شود. از وی در علم شیمی و پیشگویی صاحب نظر بود. ابو موسی جابر بن حیان یکی از شاگردان اوست که کتابی مشتمل بر هزار برگ تألیف نموده که متضمن رساله های جعفر صادق [علیه السلام] است که مقدار آنها به پانصد رساله می رسد.

إبن خلکان، ابوالعباس شمس الدین أحمد بن محمد بن أبی بکر (متوفای ۶۸۱ هـ)، وفيات الأعیان و انباء أبناء الزمان، ج ۱ ص ۳۲۷، تحقیق احسان عباس، ناشر: دار الثقافة - لبنان.

ابن تیمیه (متوفای ۷۲۸ هـ-ق):

وی نیز پیرامون شخصیت والای ان حضرت چنین می نویسد:

فإن جعفر بن محمد لم یجىء بعد مثله.

بعد از جعفر بن محمد کسی مانندش نیامده است.

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحليم (متوفای ۷۲۸ هـ)، منهاج السنة النبویة، ج ۴ ص ۱۲۶، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ناشر: مؤسسة قرطبة، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ هـ.

و در جایی دیگر تصریح می کند که امام صادق علیه السلام از ائمه دین بوده اند:

فإن جعفر بن محمد من أئمة الدين باتفاق أهل السنة.

به اتفاق اهل سنت جعفر بن محمد از پیشوایان دین بود.

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، منهاج السنة النبویة، ج ۲ ص ۲۴۵، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ناشر: مؤسسة قرطبة، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ هـ.

خطیب تبریزی (متوفای: ۷۴۱ هـ ق):

خطیب تبریزی از استوانه های علمی اهل سنت نیز پیرامون شخصیت امام صادق

سلام الله علیه چنین می نویسد:

جعفر الصادق: هو جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن أبی طالب،

الصادق کنیته أبو عبدالله کان من سادات أهل البيت روى عن أبيه وغيره سمع منه

الأئمة الأعلام نحو يحيى بن سعيد وابن جریج ومالك بن أنس والثوری وابن عیینة

وأبو حنیفة.

جعفر الصادق: او جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن أبی طالب،

[لقبش] صادق و کنیه اش أبو عبدالله می باشد. ایشان از بزرگان اهل بیت بود و از

پدرش و غیر پدرش روایت نقل کرده و ائمه و بزرگانی همچون: یحیی بن سعید وابن

جریح ومالك بن انس و سفیان ثوری و سفیان بن عیینة و ابو حنیفه از او روایت

شنیده اند.

الخطیب التبریزی، محمد بن عبد الله، (متوفای: ۷۴۱ هـ)، الأکمال فی أسماء الرجال، ص ۱۹، بی جا، بی

تا.

ذهبی (متوفای ۷۴۸ هـ ق):

شمس الدین ذهبی پیرامون آن حضرت می نویسد:

جعفر بن محمد بن علی بن الشهيد الحسين بن علي بن أبی طالب الهاشمي

الإمام أبو عبد الله العلوي المدني الصادق أحد السادة الأعلام.

جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند شهید حسین بن علی بن ابی طالب، از قبیله

بنی هاشم، امام ابا عبد الله از نسل [امیر مؤمنان امام] علی علیه السلام و اهل مدینه

بود، فردی راستگو و یکی از بزرگان مشهور بود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفاي ٧٤٨ هـ)، تذكرة الحفاظ، ج ١ ص ١٦٦، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى.

ابن الوردی (متوفای ٧٤٩ هـ ق):

ابن الوردی از علمای شافعی مذهب اهل سنت نیز می نویسد:
ثم دخلت سنة ثمان وأربعين ومائة: وفيها توفي جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علي زين العابدين بن الحسين بن علي بن أبي طالب رضي الله عنهم، سمي الصادق لصدقه، وينسب إليه كلام في صنعة الكيمياء والزجر والفأل.

سال ١٤٨: در این سال جعفر صادق فرزند محمد باقر فرزند علی زین العابدین فرزند حسین بن علی بن ابی طالب (رضوان الهی بر آنان باد) وفات کرد. به خاطر صداقتش صادق نامیده شد. سخنانی در علم شیمی و پیشگویی به او نسبت داده شده است.

ابن الوردی، زین الدین عمر بن مظفر (متوفای ٧٤٩ هـ)، تاریخ ابن الوردی، ج ١ ص ١٨٧، ناشر: دار الكتب العلمية - لبنان / بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م.

وی همچنین پیرامون آن حضرت چنین می نویسد:

مناقب جعفر كثيرة، وكان يصلح للخلافة لسؤدده وفضله وعلمه وشرفه رضي الله عنه.

فضایل جعفر (امام صادق سلام الله علیه) بسیار است. به خاطر مقام رفیع و برتری و علم و شرافتش سزاوار خلافت بود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفاي ٧٤٨ هـ)، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، ج ٩ ص ٩٣، تحقيق: د. عمر عبد السلام تدمري، ناشر: دار الكتاب العربي - لبنان/ بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م.

يافعى (متوفای ٧٦٨ هـ ق):

عبد الله بن اسعد يافعى نیز پیرامون امام صادق سلام الله علیه چنین می نویسد:
سنه ثمان واربعين ومائة فيها توفي الامام السيد الجليل سلاله النبوة ومعدن الفتوة أبو عبد الله جعفر الصادق بن أبي جعفر محمد الباقر بن زين العابدين علي بن الحسين الهاشمي العلوي وانما لقب بالصادق لصدقه في مقالته وله كلام نفيس في

علوم التوحيد وغيرها وقد الف تلميذه جابر بن حيان الصوفى كتابا يشتمل على الف ورقة يتضمن رسائله وهى خمس مائة رسالة.

در سال ۱۴۸؛ امام و سيد بزرگوار، سلاله رسول خدا صلى الله عليه و آله و معدن جوانمردى، اباعبد الله جعفر صادق فرزند ابوجعفر محمد باقر فرزند زين العابدين علي بن الحسين هاشمى علوى وفات كرد. او به علت راستى و درستى در گفتارش به صادق ملقب شد و سخنان گهربارى در علوم توحيد و غير آن از وي به جا مانده است و شاگرد او جابر بن حيان كتابى تاليف كرد كه مشتمل بر هزار ورق است و شامل پانصد نامه از امام صادق عليه السلام مى باشد.

اليافعى، ابومحمد عبد الله بن أسعد بن على بن سليمان (متوفى ۷۶۸هـ)، مرآة الجنان وعبرة اليقظان، ج ۱ ص ۳۰۴، ناشر: دار الكتاب الإسلامى - القاهرة - ۱۴۱۳هـ - ۱۹۹۳م.

ابن حجر عسقلانى (متوفى ۸۵۲ هـ ق):

وى نیز پيرامون حضرت مى نويسد:

جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن أبى طالب الهاشمى أبو عبد الله المعروف بالصادق صدوق فقيه إمام.

جعفر بن محمد بن على بن حسين بن على بن بى طالب هاشمى اباعبد الله معروف به صادق، فردى راستگو، فقيه و امام بود.

العسقلانى الشافعى، أحمد بن على بن حجر ابوالفضل (متوفى ۸۵۲هـ)، تقريب التهذيب، ج ۱ ص ۱۴۱، تحقيق: محمد عوامة، ناشر: دار الرشيد - سوريا، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶.

ابو المحاسن ظاهرى (متوفى ۸۷۴ هـ ق):

وى كه از علمای حنفى مذهب اهل سنت مى باشد، چنين مى نگارد:

[ما وقع من الحوادث سنة ۱۴۸] وفيها توفى جعفر الصادق بن محمد الباقر بن على زين العابدين بن الحسين بن على بن أبى طالب رضى الله عنهم، الإمام السيد أبو عبد الله الهاشمى العلوى الحسينى المدنى ... وكان يلقب بالصابر، والفاضل، والظاهر، وأشهر ألقابه الصادق ... وحدث عنه أبو حنيفة وابن جريج وشعبة والسفيانان ومالك وغيرهم. وعن أبى حنيفة قال: ما رأيت أفقه من جعفر بن محمد.

آنچه در سال ۱۴۸ واقع شده است: و در این سال جعفر صادق فرزند محمد باقر فرزند علی زین العابدین فرزند حسین بن علی بن ابی طالب وفات کرد. او امام، آقا اباعبدالله هاشمی علوی حسینی مدنی بود. به صابر و فاضل و طاهر ملقب شده بود و مشهورترین القابش، صادق بود ... افرادی همچون ابوحنیفه و ابن جریج و شعبه و سفیان بن عیینه و سفیان و ثوری و مالک و غیر از اینها از او حدیث نقل کرده اند. و از ابوحنیفه نقل است که گفت: کسی را فقیه تر از جعفر بن محمد ندیدم.

الأتابکی، جمال الدین أبی المحاسن یوسف بن تغری بردی (متوفای ۸۷۴هـ)، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، ج ۲ ص ۶۸، ناشر: وزارة الثقافة والإرشاد القومي - مصر.

ابن صباغ (متوفای ۸۸۵ هـ.ق):

علی بن احمد مکی، مشهور به ابن صباغ از علمای مالکی مذهب اهل سنت نیز می نویسد:

كان جعفر الصادق ابن محمد بن علی بن الحسين عليهم السلام من بين إخوانه خليفة أبيه محمد بن علی عليهما السلام ووصيه والقائم بالإمامة من بعده ، و برز علي جماعتهم بالفضل وكان أنبهم ذكراً وأعظمهم قدراً ، ونقل الناسُ عنه من العلوم ما سارت به الركبانُ وانتشر صيته وذكُرهُ في سائر البلدان ، ولم ينقل العلماء عن أحدٍ من أهل بيته ما نُقل عنه من الحديث .

وروي عنه جماعة من أعيان الأمة وأعلامهم مثل : يحيى بن سعيد وابن جریج ومالك بن أنس والثوری وابن عیینة وأبو حنیفة وشعبة وأبو أيوب السجستانی وغيرهم.

جعفر الصادق ابن محمد بن علی بن الحسين عليهم السلام در بین برادرانش جانشین و وصی و امام بعد از پدرش، محمد بن علی علیهما السلام بود. و فضل او بر جماعت آنان روشن و نامش بلند و مقامش والاتر از آنان بود و مردم به اندازه‌ای از وی نقل علوم کردند که در تمام نقاط دنیا منتشر شده و شهرتش سرتاسر جهان را فرا گرفت و علماء آنقدر حدیث از وی نقل که از هیچ یک از اهل بیت نقل نکرده اند.

از او جماعتی از بزرگان امت همچون: یحیی بن سعید وابن جریج ومالك بن أنس والثوری وابن عیینة وأبو حنیفة وشعبة وأبو أيوب السجستانی و غیر از اینها از او روایت نقل کرده اند.

المالکی المکی، علی بن محمد بن أحمد المعروف بابن الصباغ (متوفای ۸۸۵هـ)، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، ج ۲ ص ۹۰۷-۹۰۸، تحقیق: سامی الغریری، ناشر: دار الحديث للطباعة والنشر مركز الطباعة والنشر فی دار الحديث - قم، الطبعة الأولى: ۱۴۲۲ - ۱۳۷۹ ش.

ابن حجر هیثمی (متوفای ۹۷۳هـ ق):

وی نیز پیرامون آن حضرت چنین می نویسد:

جعفر الصادق ومن ثم كان خليفته ووصيه ونقل الناس عنه من العلوم ما سارت به الركبان وانتشر صيته في جميع البلدان وروى عنه الأئمة الأكابر كیحیی بن سعید وابن جریج والسفیانین وأبی حنیفة وشعبة وأیوب السختیانی.

جعفر صادق [علیه السلام] از آنجاست که او خلیفه و وصی او [امام باقر علیه السلام] بود و مردم علمی را از او نقل نمودند که مسافران علم و دانش را بدان سو جلب می نمود و آوازه آن در همه جا انتشار یافت. پیشوایان بزرگی همچون: یحیی بن سعید و ابن جریج و دو سفیان (سفیان ثوری و سفیان بن عیینه) و ابو حنیفه و شعبه و ابو ایوب سختیانی از آن حضرت روایت نقل کرده اند.

الهیثمی، ابوالعباس أحمد بن محمد بن علی ابن حجر (متوفای ۹۷۳هـ)، الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة، ج ۲ ص ۵۸۶، تحقیق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ناشر: مؤسسة الرسالة - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۷م.

ملا علی قاری (متوفای ۱۰۱۴هـ ق):

ملاعلی قاری از علمای حنفی مذهب اهل سنت می نویسد:

جعفر بن محمد أي ابن عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طالب الهاشمي المدني المعروف بالصادق ... متفق علي إمامته وجلالته وسيادته.

جعفر فرزند محمد باقر فرزند علی زین العابدین فرزند حسین بن علی بن ابی طالب، هاشمی مدنی، معروف به صادق ... بر امامت و بزرگی و سیادت او اتفاق نظر وجود دارد.

الهروى القارى، على بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين، (متوفى: ١٠١٤هـ)، شرح الشفا، ج ١ ص ٤٤، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ.

شبراوى (متوفى ١١٧١ هـ):

عبدالله بن محمد شبراوى از اعيان شافعى مذهب، بعد از ذكر نام امام صادق سلام الله عليه چنين مى نويسد:

السادس من الائمة جعفر الصادق ذو المناقب الكثيره و الفضائل الشهيره روى عنه الحديث كثيرون مثل مالك بن انس و أبو حنيفة و يحيى بن سعيد و ابن جريج و الثورى. ولد رضى الله عنه بالمدينه المنوره سنة ثمانين من الهجرة و غرر فضائله عن جهات الأيام كامله و توفى رضى الله عنه سنة ١٤٨ هـ.

جعفر صادق عليه السلام ششمين امام از ائمه داراي مناقب زياد و فضائل مشهور مى باشد از او بسيارى از محدثين بزرگ از جمله: مالك بن انس، ابوحنيفه، يحيى بن سعيد و ابن جريج و ثورى. حديث نقل کرده‌اند. در سال ٨٠ هجرى در مدينه متولد شد و فضائل درخشانش بر پيشانى روزگار نقش بسته است. او در سال ١٤٨ وفات يافت.

الشبراوى الشافعى، عبد الله بن محمد بن عامر، الإتحاف بحب الأشراف، ٥٤، دار النشر: مصطفى البابى الحلبى وأخويه - مصر، بى تا.

محمد الصبان (متوفى ٢٠٦ هـ):

صبان از ديگر علمای اهل سنت در كتاب اسعاف الراغبين كه در حاشيه نور الابصار شبلنجى چاپ شده است، چنين مى نويسد:

وأما جعفر الصادق فكان إماما نبيلًا وأخذ الحديث عن أبيه ... وكان مجاب الدعوة إذا سأل الله شيئًا لا يتم قوله الا وهو بين يديه.

جعفر صادق برترين پيشوا بود، حديث را از پدرش [امام باقر سلام الله عليه] فراگرفته بود ... دعائش مستجاب بود و هنگامى كه از خداوند چيزى را مى خواست، هنوز كلامش تمام نشده بود كه نزدش حاضر مى شد.

الصبان، محمد، اسعاف الراغبين فى سيرة المصطفى وفضائل أهل بيته الطاهرين فى حاشية نور الابصار، ص ٢٤٨، مطبعة مصطفى البابى الحلبى واولاده، مصر، ١٣٦٧ هـ - ١٩٤٨ م.

محمد أمين البغدادي السويدي (متوفى ١٢٤٦ هـ-ق):

سويدي نیز از علمای اهل سنت در کتاب سبائك الذهب فی معرفة قبائل العرب نیز چنین می نویسد:

جعفر الصادق کان بین إخوته خلیفهً أبیه ووصیه ، نقل عنه من العلوم ما لم ینقل من غیره ، وكان إماماً فی الحدیث ... ومناقبه کثیره .

جعفر الصادق در بین برادرانش، جانشین و وصی پدرش بود. علمی از وی نقل شده که از کسی دیگر نقل نشده است و او در حدیث پیشوای محدثان بود و مناقب وی بسیار زیاد است.

البغدادي السويدي، محمد امين، سبائك الذهب فی معرفة قبائل العرب، ص ٧٤ ، دار احیاء العلوم - بیروت.

شبلنجی شافعی (متوفای حدود: ١٢٩١ هـ-ق):

مومن بن حسن شبلنجی از بزرگان اهل سنت در کتاب نور الابصار چنین می نویسد:

ومناقبه کثیره تکاد تفوت عد الحاسب ويحار فی انواعها فهم اليقظ الكاتب. روى عنه جماعة من أعيان الأئمة وأعلامهم كیحیی بن سعید ومالك بن أنس والثوري وابن عيينه وأبى حنيفة وأيوب السخيتاني وغيرهم.

مناقبش چنان زیاد است که اگر کسی بخواهد حساب کند، بسیار فوت شود [توان شمارش آن را ندارد] و در انواع آن فضایل فهم هر بیداری متحیر است. جماعت زیادی از پیشوایان بزرگ مانند یحیی بن سعید و مالک بن انس و ثوری و ابن عیینه و ابو حنیفه و ابو ایوب سخیتانی و غیر اینان از او روایت نقل کرده اند.

شبلنجی الشافعی، حسن بن مومن، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، ص ٢٩٧ ، قدم له: دكتور عبدالعزيز سالماني، المكتبة التوفيقية، بی تا.

نبهانی (متوفای ١٣٥٠ هـ-ق):

یوسف بن اسماعیل نبهانی در کتاب کرامات جامع کرامات الأولیاء چنین می نویسد:

جعفر الصادق أحد أئمة ساداتنا آل البيت الكبار، كان رضى الله عنه إذا احتاج إلى شئ قال: يا رباه أنا محتاج إلى كذا فما يستتم دعاءه إلا وذلك الشئ بجنبه موضوعا. قاله الشعرانى.

شعرانى مى گفت: جعفر صادق يکى از ائمه اهل بيت بزرگ ما بود. هر گاه محتاج چیز مى شد، مى گفت: پروردگارا به فلان چیز احتیاج دارم و دعایش تمام نشده بود که آنچه خواسته بود در کنارش نهاده شده بود.

النهائى، يوسف بن اسماعيل، جامع كرامات الأولياء، ج ٢ ص ٤ ، مركز أهل السنة بركات رضا فور بندر غجرات، هند، الطبعة الأولى، ٢٠٠١ م.

محمد ابو زهره (١٣٩٣ هـ ق):

وى نیز از جمله علمای معاصر اهل سنت است که تصریح مى کند بر فضیلت و علم امام صادق علیه السلام اجماع صورت گرفته، چنان چه مى نویسد:

ما أجمع علماء الإسلام على اختلاف طوائفهم فى أمر كما أجمعوا على فضل الإمام الصادق وعلمه.

هیچ کدام از علمای اسلام در هیچ امری اجماع ندارند این گونه که بر برتری و علم امام صادق علیه السلام اجماع دارند.

ابو زهره، محمد، الإمام الصادق حياته وعصره آراؤه وفقهه، ص ٦٦ ، دار النشر: دار الفكر العربى - القاهرة. بی تا.

زرکلی (متوفای ١٤١٠ هـ ق):

خیر الدین زرکلی نیز مى نویسد:

جعفر بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین السبط، الهاشمی القرشى، أبو عبد الله، الملقب بالصادق: سادس الأئمة الاثنى عشر عند الإمامية. كان من أجلاء التابعين. وله منزلة رفيعة فى العلم. أخذ عنه جماعة، منهم الإمامان أبو حنيفة ومالك. ولقب بالصادق لأنه لم يعرف عنه الكذب قط. له أخبار مع الخلفاء من بنى العباس وكان جريئا عليهم صداعا بالحق.

جعفر بن محمد باقر بن علی زین العابدین بن حسین نوه رسول خدا صلى الله عليه وآله ، از بنی هاشم و قبیله قریش بود، کنیه اش اباعبد الله و لقبش صادق و

ششمین امام از ائمه دوازده گانه شیعیان است. او از بزرگان تابعین بشمار می رود و در علم و دانش دارای منزلتی رفیع است و جماعت زیادی از او کسب علم کرده اند که از جمله آنها دو نفر از پیشوایان اهل تسنن امام ابوحنیفه و امام مالک هستند و لقبش صادق است به خاطر این که هرگز کسی از او کذب شنیده است و در خبرهای مربوط به او آمده است که وی برای اعتلاء حق پیوسته علیه خلفای بنی عباس در ستیز بوده و به مبارزه پرداخته است.

الزرکلی، خیر الدین (متوفای ۱۴۱۰هـ)، الأعلام، ج ۲ ص ۱۲۶، ناشر: دار العلم للملایین - بیروت - لبنان، چاپ: الخامسة، سال چاپ: آیار - مایو ۱۹۸۰ طبق برنامه مکتبه اهل البيت عليهم السلام.

کرامات امام صادق سلام الله علیه در کتب اهل سنت:

للكائنی به نقل از لیث بن سعد چنین می نویسد:

أخبرنا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ مُوسَى، قَالَ: أَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْمِصْرِيُّ، قَالَ: ثنا أَبُو عَلَاءَةَ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: ثنا عِيَاضُ بْنُ أَبِي طَيِّبَةَ، قَالَ: ثنا ابْنُ وَهْبٍ، قَالَ: سَمِعْتُ اللَّيْثَ بْنَ سَعْدٍ، يَقُولُ: حَجَجْتُ سَنَةَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ وَمِائَةً فَاتَيْتُ مَكَّةَ، فَلَمَّا أَنْ صَلَّيْتُ الْعَصْرَ رَقِينَا أَبَا قُبَيْسٍ، فَإِذَا أَنَا بِرَجُلٍ جَالِسٍ وَهُوَ يَدْعُو، فَقَالَ: يَا رَبِّ، يَا رَبِّ، حَتَّى انْقَطَعَ نَفْسُهُ، ثُمَّ قَالَ: يَا رَبَّاهُ، حَتَّى انْقَطَعَ نَفْسُهُ، ثُمَّ قَالَ: رَبِّ رَبِّ رَبِّ، حَتَّى انْقَطَعَ نَفْسُهُ، ثُمَّ قَالَ: يَا اللَّهُ، يَا اللَّهُ، حَتَّى انْقَطَعَ نَفْسُهُ، ثُمَّ قَالَ: يَا حَيُّ، حَتَّى انْقَطَعَ نَفْسُهُ، ثُمَّ قَالَ: يَا رَحِيمُ، حَتَّى انْقَطَعَ نَفْسُهُ، ثُمَّ قَالَ: يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، حَتَّى انْقَطَعَ نَفْسُهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْتَهِي مِنْ هَذَا الْعَنْبِ فَأَطْعَمْنِيهِ، اللَّهُمَّ وَإِنْ بُرِدِي قَدْ خَلَقَا، قَالَ اللَّيْثُ: فَوَاللَّهِ مَا اسْتَمَّ كَلَامَهُ حَتَّى نَظَرْتُ إِلَيَّ سَلَّةً مَمْلُوءَةً عَنبًا، وَمَا عَلَيَّ الْأَرْضُ عَنبٌ يَوْمئِذٍ، وَبُرْدِينَ، فَأَرَادَ أَنْ يَأْكُلَ، فَقُلْتُ: أَنَا شَرِيكُكَ، فَقَالَ: وَلِمَ؟ فَقُلْتُ: لَأَنَّكَ كُنْتَ تَدْعُو وَأُوْمِنُ أَنَا، فَقَالَ لِي: تَقَدَّمَ فَكُلْ، وَلَا تُخْبِيْ مِنْهُ شَيْئًا، فَتَقَدَّمْتُ فَأَكَلْتُ شَيْئًا لَمْ أَكُلْ مِثْلَهُ قَطُّ، وَإِذَا عَنبٌ لَا عَجْمَ لَهُ، فَأَكَلْتُ حَتَّى شَبَعْتُ، وَالسَّلَّةُ لَمْ تَنْقُصْ شَيْئًا، ثُمَّ قَالَ لِي: خُذْ أَحَبَّ الْبُرْدَيْنِ إِلَيْكَ، فَقُلْتُ لَهُ: أُمَّا الْبُرْدَانِ فَأَنَا غَنِيٌّ عَنْهُمَا، فَقَالَ لِي: تَوَارَ عَنِّي حَتَّى الْبِسْهَمَا، فَتَوَارَيْتُ عَنْهُ فَاتَزَرَّرَ بِأَحَدِهِمَا، وَارْتَدَى بِالْآخَرِ، ثُمَّ أَخَذَ الْبُرْدَيْنِ اللَّذَيْنِ كَانَا عَلَيْهِ،

فَجَعَلَهُمَا عِنْدَهُ وَنَزَلَ، وَاتَّبَعْتَهُ حَتَّى إِذَا كَانَ بِالْمَسْعَى لَقِيَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: اكْسِنِي كَسَاكَ اللَّهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَدَفَعَهُمَا إِلَيْهِ، فَلَحَقْتُ الرَّجُلَ فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا؟ قَالَ: هَذَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ اللَّيْثُ: فَطَلَبْتُهُ لَأَسْمَعَ مِنْهُ فَلَمْ أَجِدْهُ.

لیث بن سعد می گوید: در سال صد و سیزده به مکه رفتم پس از انجام نماز عصر از کوه ابو قییس بالا رفتم. ناگاه دیدم مردی نشسته و دعا می کند. می گفت: یا رب یا رب یا رب تا نفسش قطع شد باز گفت: رب رب رب تا نفسش قطع شد. یا الله یا الله همین طور باز گفت: یا حی یا حی یا حی تا نفسش قطع شد باز گفت: یا رحیم یا رحیم همین طور سپس گفت یا ارحم الراحمین تا نفسش قطع شد هفت مرتبه این ذکر را تکرار کرد. سپس گفت: خدایا من از این انگور میخواهم مرا روزی فرما بارخدایا این دو لباسم کهنه شده است. لیث گفت: بخدا قسم هنوز دعایش تمام نشده بود که دیدم سبدي پر از انگور با اینکه در آن وقت انگور پیدا نمیشد و دو لباس جدا جدا در مقابلش نهاده شد. همین که خواست شروع بخوردن نماید گفتم: من هم با شما شریک هستم؟ پرسید برای چه گفتم: شما دعا کردی من هم آمین گفتم.

فرمود جلو بیا بخور ولی نباید چیزی ذخیره کنی و نگهداری. شروع بخوردن کردم انگوری بی دانه تا کنون به آن خوبی نخورده بودم خوردم تا سیر شدم. از آن سبد چیزی کاسته نشد. فرمود یکی از دو لباس ها را تو بردار. عرض کردم احتیاجی به لباس ندارم. فرمود یک طرف خود را پنهان کن تا من لباس را بیوشم خود را پنهان کردم یک لباس را لنگ نمود و به کمر بست و لباس دیگر را بر شانه انداخت و دو لباس کهنه قبلی را به دست گرفت و از کوه پائین آمد. به دنبال ایشان رفتم تا رسید به محل سعی (صفا و مروه) مردی او را دید عرض کرد آن لباس را به من بده که خدا تو را بپوشاند. او هر دو لباس را به او داد.

من به دنبال آن مرد رفتم. سؤال کردم این شخص که بود؟ گفت: جعفر بن محمد [علیه السلام] بود. به دنبالش گشتم تا از او چیزی بیاموزم ولی دیگر او را نیافتم.

الطبری الرازی اللالكائی، أبو القاسم هبة الله بن الحسن بن منصور، (متوفای ۴۱۸هـ) کرامات الأولیاء، ص

۱۹۱ و ۱۹۲، دار النشر: دار طيبة - السعودية، الطبعة: الثامنة، ۱۴۲۳هـ / ۲۰۰۳م.

و همین کرامت حضرت نیز در کتب شیعه وجود دارد:

محمد بن جریر الطبری (الشیعی)، دلائل الامامة ص ۲۷۷، تحقیق : قسم الدراسات الإسلامية - مؤسسة البعثة، چاپ : اول، سال چاپ : ۱۴۱۳، ناشر : مركز الطباعة والنشر فی مؤسسة البعثة؛
الإربلی، أبی الحسن علی بن عیسی بن أبی الفتح (متوفای ۶۹۳هـ)، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲ ص ۱۶۰، ناشر: بني هاشمي- تبریز، الطبعة الأولى، ۱۳۸۱ ق.

ابو حنیفه جارو کش مرقد امام صادق سلام الله علیه:

یکی از مطالبی که برخی از علمای اهل سنت بدان اشاره کرده اند، این است که ابوحنیفه به زیارت قبر امام صادق علیه السلام می رفته، در مشکلات خود از حضرت طلب استمداد کرده و حتی جارو کش مرقد مطهر آن حضرت بود.
مؤلف این کتاب در مقدمه کتابش تصریح می کند که مطالب کتابش را از منابع معتبر نوشته است. چنان چه می نویسد:

این عاجز مفتی محمود، ابن المرحوم المغفور المفتی عبد الغیور غفر له الغفور را که از کتب متداوله و رسائل معتبره جمع نموده است.
و وی در صفحه ۳۴ این کتاب چنین می نویسد:

و همچنین استاد المحدثین مایه افتخار سید المرسلین علیه الصلوه من رب العلمین عنی حضرت امام اعظم از قبر بعضی از ائمه هدی استعانت نموده اند. چنانچه حضرت مولوی علی محمد ختن و تلمیذ حضرت مولی یار محمد ملتانی محدث و مدرس لا ثانی در رساله خود می نویسد . در فتاوی عقائد المقتدی فی مسائل الهندی در فصل تعظیم علویه آورده:

روی عن محمد بن الحسن الشیبانی وعن أبی یوسف وعن وکیع رحمهم الله تعالى أن أبا حنیفه رضی الله تعالى عنه كان یزور أبدا قبر الإمام محمد الجعفر الصادق رضی الله عنه و یکنس علی بابه ویعطی للمجاورین فتوحا ویطلب الإستعانه منه فی الأمور.

از محمد بن حسن شیبانی و از ابو یوسف (دو شاگرد ابو حنیفه) و از وکیع نقل شده است که ابو حنیفه همیشه قبر مطهر امام صادق [علیه السلام] را زیارت و دروازه حرم آن حضرت را جارو می کرد، به مجاورین آن حضرت هدیه می داد و از امام صادق علیه السلام در مشکلات خود کمک می گرفت.

رد وهابی مشهور بحجة الإسلام، ص ۳۴.

در مقابل تحسینات و اعترافات علمای اهل سنت پیرامون مقام والا و جایگاه علمی وجود مقدس امام صادق علیه السلام، برخی از وهابیون تاب تحمل این تعریف و تمجیدات را نداشته و نسبت به وجود مقدس آن حضرت دهن کجی کرده که در این مجال جهت بر ملأ ساختن چهره واقعی نواصب به مواردی کوتاه اشاره می شود.

توهین وهابیون به ساحت مقدس امام صادق علیه السلام:

ابراهیم السلیمان الجبهان:

وی با گستاخی تمام در مورد آن حضرت چنین می نویسد:

لقد قرنت اسم جعفر بن محمد بعلامة استفهام فی غیر موضع تصحیحا للخطأ الشائع الذی وقع فیہ کثیر من أرباب التصانیف بالصاقهم کلمة الصادق باسم المذكور، وجعلها لقبا له وعلما علیه.

والواقع أن هذه التسمية أو بالأصح هذه التزكية ما كان ينبغي ان تطلق على شخص حامت حوله الشبهات وكثرت فيه الأقاويل نسبت إليه أقوال مشحونة بالزندقة والالحاد لأنه اذا صح صدورها منه ونرجو ان لا یصح ذلك، فتسميته بالصادق تعنی ضمنا، تصدث كل ما جاء به من الالفك.

وإذا لم یصح صدورها منه فتسميته بذلك تزكية لا داعی لها ولا محل لها من الاعراب وترکها أحوط.

زد علی ذلك اننی لم أکن أول من شک فی سلوکه فقد كنت مسبوکا الی ذلك ممن عاصروه وشاهدوا بذخه وترفه وقبوله العطایا من شیعته وهی محرمة علیه لأنه لم یکن ممن یتحقونها شرعا.

من در همه جا کنار اسم جعفر بن محمد علامت استفهام [سؤال] قرار داده ام آن هم به خاطر اصلاح خطایی رایج که نویسندگان مرتکب شده و کنار اسمش لقب صادق را نوشته اند و این کلمه را لقب و علامت او قرار داده اند.

و در واقع این نوع از نام گذاری یا صحیح تر بگویم، این مدح، شایسته نیست نسبت به کسی به کار رود که در اطراف او شبهات قرار داشته و حرف هایی در مورد او وجود دارد و به او اقوال متشنج به کفر و الحاد نسبت داده شده است چرا که اگر

این ها از او صادر شده باشد - که امید می رود چنین نباشد - نام گذاریش به صادق، کاری سخت است و تصدیق هر آنچه که بگوید دروغی بیش نیست.

و اگر این گونه کلمات کفری و الحادی از وی صادر نشده باشد، پس نام گذاری او به صادق مدحی است که علتی نداشته و جا ندارد و آنچه موافق احتیاط است، ترک آن می باشد [که به او صادق گفته نشود].

اضافه بر آن، من اولین کسی نیستم که در روش او شک می کنم، بلکه قبلا نیز کسانی که با او معاصر بوده اند و شاهد تکبر و خوش گذرانی و قبول هدایایی از شیعیانش بودند، در روش او شک کرده اند چرا که او از نظر شرعی استحقاق دریافت آن هدایا را نداشت و برایش حرام بود.

الجبهان، ابراهیم السلیمان، تبذیر الظلام، ص ۹ و ۱۰

وی همچنین در جایی دیگر با وقاحت تمام، امام صادق علیه السلام را ماسونی قلمداد می کند:

ولا اذیع سرا اذا قلت ان (جعفر بن محمد) کان من المع نجوم وقع علیها
اختیار العصابات الماسونیه علیه. فقد ثبت انه احد العمیان الذین کانت شیاطین
لماسونیه تعدهم و تمنیهم بنیل الخلفه.

من حرف مخفی را علنی نکرده‌ام و همه می‌دانند، اگر بگویم جعفر بن محمد (امام صادق سلام الله علیه) از مهمترین ستاره‌هایی بود که تحت اختیار گروه‌های ماسونی بود، به طور یقین ثابت است که وی یکی از نابینایان [جاهلان] بود که شیاطین ماسونی به او وعده و آرزوی رسیدن به خلافت می‌دادند.

الجبهان، ابراهیم السلیمان، تبذیر الظلام، ص ۱۶۱، دار النشر: دار المجمع العلمی - جدّه، ۱۳۹۹ هـ -

۱۹۷۹م.

آری! این وهابیت و دشمنان مکتب حقه اهل بیت علیهم السلام هستند که تاب تحمل شنیدن فضائل و مناقب و برتری آن بزرگواران را نداشته و سعی در تخریب وجهه آن بزرگواران دارند در حالی که خداوند نور خود را عالمگیر خواهد نمود چنانکه فرمود:

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».

آنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خدا نور خود را کامل
می کند هر چند کافران خوش نداشته باشند.

گروه پاسخ به شبهات

موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

سایت موسسه:

www.valiasr-aj.com